

واکوی جایگاه علمی و کتاب‌شناختی ملا معزالدین اردستانی در پرتو بررسی انتساب «کاشف الحق»

کاظم استادی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث)

kazemostadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹

چکیده

«معزالدین محمد حسینی اردستانی» (م بعد از ۱۰۶۶ ق) از نویسندگان کمتر شناخته‌شده قرن یازدهم هجری است که نامش غالباً تحت الشعاع انتساب جنجالی به یک کتاب حدیثی - کلامی موسوم به «کاشف الحق» و پیوند بحث‌برانگیز آن با «حدیقة الشیعة» منسوب به مقدس اردبیلی قرار دارد. روشن نبودن جایگاه علمی وی و نبود پژوهشی مستقل درباره شرح حال او، باعث شده تا تحلیل‌ها درباره انتساب آثار به وی دچار تشکیک باشد. این پژوهش به این پرسش پاسخ دهد که: معزالدین اردستانی کیست و انتساب کتاب کاشف الحق به وی، با تکیه بر شواهد تاریخی و نسخه‌شناختی، تا چه حد مستند و قابل قبول است؟ این تحقیق که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و استناد به منابع تاریخی و نسخه‌شناختی نشان می‌دهد که وی منصب دبیری در محضر سلطان قطب‌شاهی و تولیت برخی از موقوفات را در اختیار داشته و شخصیت علمی قابل توجهی نداشته است. علاوه بر چند اثر ترجمه‌ای (عربی به فارسی) و تفسیر کم حجم هل‌اتی، کتاب موسوم به کاشف الحق هم به او منسوب شده که محل تأمل بوده و این انتساب پذیرفتنی نیست. این یافته‌ها علاوه بر زدودن غبار از چهره وی، بستر ارائه نظریات و تحلیل‌ها در خصوص این آثار را فراهم می‌آورد و به حل بخشی از چالش‌های انتساب کتاب کاشف الحق کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: محمد اردستانی، کاشف الحق، حدیقة الشیعة، مؤلفان هند، حیدرآباد دکن.

مقدمه

در قرن دهم و یازدهم هجری، حوزه درسی مهمی در حیدرآباد جنوب هند که منطقه‌ای شیعه‌نشین بوده است، وجود داشته و علما و طلاب متعددی در آن دوران پرورش یافته‌اند (برای نمونه، ر.ک: استادی، ۱۴۰۲ط: سراسرمتن). حوزه عملیه حیدرآباد در دوره پیشوایی ابن خاتون (م ۱۰۵۹ق)، همانند پیشوای قبل از وی، یعنی میرمحمد مؤمن استرآبادی (م ۱۰۳۴ق)، رونق قابل توجهی داشته است و جدای از مدارس مختلف همانند «مدرسه دارالشفاء» یا «مدرسه لنگر فیض اثر» و کتابخانه‌هایی همانند «کتابخانه عامره»، علمای متعددی نیز در آن حوزه درسی و منطقه حیدرآباد حضور داشته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: «شیخ حسن غیاث، شیخ دبیر، شیخ رحیم محمد حاجب، شیخ عبدالطیف، شیخ محمد طاهر، شیخ محی الدین پیرزاده، شیخ معین الدین، شیخ ملک محمد شیرازی و ...» (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: سراسرمتن).

یکی از کسانی که در این دوره، در حیدرآباد می‌زیسته، «معزالدین محمد حسینی اردستانی» است که شخصیت شناخته‌شده‌ای نیست؛ هر چند که چندین کتاب برای وی نام برده شده است که روشن‌ترین آن‌ها کتاب مختصر تفسیر هل‌اتی است که بنابر نظر مفسران شیعه و برخی از اهل سنت، آیه هشتم این سوره، در شأن حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین علیهما السلام نازل شده است. این اثر معزالدین، حاوی برخی از روایات و احادیث تفسیری نیز هست.

البته نام اردستانی، غالباً با یک اثر پرحاشیه و جنجالی در موضوع امامت، در میان پژوهشگران مشهور شده است. این نوشته «بدون نام» - که اسامی متعدد و متنوعی برای آن ذکر شده -، اثری «حدیثی - کلامی» درباره امامت و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام به زبان فارسی است. در این اثر، جدای از استدلال کلامی و گزارش‌های تاریخی، حدود پانصد روایت و حدیث درج شده است.

فهرست مطالب کتاب موسوم به کاشف الحق، عبارت است از: جلد اول، در شرح زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله که اکنون موجود نیست (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۳۶: ۳۱۳، ۴۴۷، ۴۷۲، ۵۵۷ و ۶۰۴)؛ جلد دوم شامل «مقدمه، متن و خاتمه» است. مقدمه کتاب، در اسباب تألیف کتاب و اهدای آن به قطب‌شاه است؛ سپس مطالبی در بیان مقصود از لفظ امام و نیاز به وجود امام علیه السلام و نیز عباراتی

در بیان نسب و کنیه‌ها و القاب امیرالمؤمنین و چگونگی تولّد ایشان در کعبه درج شده است. متن کتاب، شامل دوازده فصل است. خاتمه کتاب نیز شامل «بحثی درباره هفتاد و سه فرقه اسلام و علّت به وجود آمدن مذاهب در اسلام و نیز افضلیت ائمّه و سابقه مذهب شیعه» است. مؤلف کاشف الحق به مناسبت‌های مختلف، اشعار عرفانی و غیرعرفانی گوناگونی در کتاب درج نموده و اثر خود را به ذکر داستان‌ها و حکایاتی مختصر یا نسبتاً مفصّل، مزین کرده است.

از قضای روزگار، کتاب کاشف الحق، شباهت بسیار فراوان متنی با کتاب دیگری با عنوان حَـدِیْقَةُ الشَّیْعَةِ دارد که به احمد بن محمد اردبیلی (م ۹۹۳ق) معروف به «مقدّس اردبیلی» و «محقّق اردبیلی»، منسوب شده است.

۱. طرح مسئله

آثار و منابع اسلامی، ممکن است پیرامون یکی از این چند مسئله، مناقشه‌آمیز و قابل گفتگو باشند: ۱. «هویت مؤلف»؛ ۲. «وضعیت انتساب اثر به مؤلف»؛ ۳. «اصالت عنوان اثر»؛ ۴. «نداشتن نسخه قریب به مؤلف»؛ ۵. «این‌همانی تألیف اولیه مؤلف و نسخه کنونی»؛ ۶. «اصالت متن و تحریفات نسخ»؛ ۷. «اعتبار محتوای متن» و ... در این میان، کتاب‌های حَـدِیْقَةُ الشَّیْعَةِ یا کاشف الحق که اسامی متعدّد و متنوعی برای هر کدام از آن‌ها ذکر شده، یکی از این دست آثار مناقشه‌آمیز شیعی - اسلامی هستند.

در برخی نوشته‌ها، جدای از همانندی‌ها، به بعضی از تفاوت‌های نسخ حَـدِیْقَةُ الشَّیْعَةِ و کاشف الحق اشاره شده است (برای نمونه، ر.ک: سنایی، ۱۳۷۴: ۶۱۷). همچنین مرحوم صادق حسن‌زاده در مقاله‌ای مستقل به تفاوت‌های بعضی از نسخ این دو اثر پرداخته است (ر.ک: حسن‌زاده، ۱۳۷۴ب: سراسرمتن).

حَـدِیْقَةُ الشَّیْعَةِ و کاشف الحق، بسیار همانند، در چند مسئله از مسائلی که در بالا ذکر شد، دچار چالش هستند؛ برای نمونه، نام نویسنده این دو کتاب، سرجمع، به ده شخصیت از علمای قرن دهم تا دوازدهم هجری منسوب شده و معرکه‌آرایی درخصوص مؤلف کتاب برقرار است که یکی از این افراد، معزالدين محمد حسینی اردستاني است. همچنین چون این کتاب مورد اختلاف میان «عرفان‌دوستان» و «مخالفان عرفان و فلسفه» بوده، به مشکلات دیگر کتاب نیز

جدای از وضعیت مبهم مؤلف آن، توجه و پرداخته شده است.

اکنون، پیش از چهارده کتاب و مقاله مستقل درباره «وضعیت انتساب» این آثار به مؤلفانشان نوشته شده که مفصل‌ترین آنها حدود ۵۲۰ صفحه است. جدای از این، در بیش از هفتاد مقاله و نوشته، به مناقشات این انتساب‌ها، پرداخته شده است. به عبارت دیگر و در مجموع، تاکنون حدود ده هزار صفحه مطلب راجع به جعلی بودن یا نبودن این دو اثر و وضعیت انتساب آن‌ها به مؤلف، نگارش یافته است (ر.ک: استادی، ۱۴۰۲ط: صص ۲۰۷ - ۲۲۴)؛ ولی هنوز نظر قطعی درخصوص وضعیت «کل اثر» یا «بعض محتوای کتاب»، رسمی و تثبیت نشده است.

با توجه به اهمیت کتاب‌های حقیقة الشیعة و کاشف الحق، اکنون مناسب است درباره شرح حال معزالدين محمد اردستاني که تألیف کتاب کاشف الحق یا انجام سرقت از کتاب حقیقة الشیعة به او منسوب شده است، پژوهشی مستقل صورت گیرد تا پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، بتوانند بر اساس این شرح حال و اسناد، نظریات پیشنهادی خود را درباره وضعیت این دو کتاب اعلام نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

با این که در سه دهه اخیر، به مناسبت جنجال‌های کتاب حقیقة الشیعة منسوب شده به مقدس اردبیلی و متن ادعاشده سرقتی از آن، یعنی کتاب کاشف الحق، به ذکر نام معزالدين اردستاني بسیار پرداخته شده و حتی بیش از هفتاد «مقاله، کتاب و یادداشت» در مناقشات و مجادلات اصلاتی این دو عنوان اثر نگارش یافته، اما با این حال به شرح حال معزالدين به صورت مستقل و حتی گزارش‌های متوسط و دقیق پرداخته نشده است. در این میان، برخی از آثار اندک، چند خطی درباره ترجمه و آثار وی درج نموده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. در کتاب حقیقة السلاطین، اثر میرزا نظام الدین احمد صاعدی شیرازی (قرن ۱۱ ق) که کتابش حاوی گزارش سوانح دوران سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ ق) از تولد وی تا سال نوزدهم جلوس او (۱۰۵۳ ق) است، اشاراتی به معزالدين محمد اردستاني و پدر وی دارد (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷، ۲۰۹ و ۲۱۲).

۲. آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق) در کتاب طبقات أعلام الشیعة در عنوان «معزالدين

الأردستاني» چند خطی اطلاعات برخی از نسخ کاشف الحق منسوب به معزالدين را آورده است (تهرانی، بی تا: ۵/۵۷۱). آقابزرگ تهرانی همچنین در چند جای الذریعة به فراخور عناوین کتاب های مناقب قطب شاهی، کاشق الحق و تفسیر هل ائی از معزالدين اردستاني یاد کرده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۲/۳۲۲ و ۴/۳۴۳ و ۶/۳۸۶ و ۱۷/۲۳۶ و ۱۸/۳۲ و ۲۲/۳۳۳؛ نیز، ر.ک: ۱۰/۲۰۵).

۳. در کتاب آشکده اردستان اثر ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی (م ۱۴۰۸ق) که مشتمل بر جغرافیا و تاریخ اردستان و تحقیق در انساب سادات طباطبایی ایران و شرح حال و آثار بسیاری از علما و بزرگان اردستان است، شرح حال چند سطری از معزالدين اردستاني آورده که ظاهراً منقول از اطلاعات آقابزرگ تهرانی است. وی همچنین اشاراتی درباره مناقشات حذیقة الشیعة به نقل از مؤلف ریاض السیاحة درج نموده است (ر.ک: رفیعی مهرآبادی، ۱۳۴۲: ۲۷۶).

۴. در پایان نامه کارشناسی ارشد فاطمه رکنی یزدی با عنوان «تصحیح و تعلیق نسخه خطی تفسیر سورة هل ائی یا تفسیر قطب شاهی» به تاریخ ۱۴۱۷ق، نیم صفحه مطلب تکراری قبل، به عنوان شرح حال اردستاني، به نقل از کتاب تاریخ ادبیات در ایران (بخش یک: ۵/۲۲۰) درج نموده که ذبیح الله صفا نیز آن را به نقل از مستدرک الوسائل (ر.ک: ۳/۳۹۴ چاپ سه جلدی) و فهرست کتابخانه دانشگاه تهران (ر.ک: ۳/۶۰۰ - ۶۰۵) ذکر شده است (ر.ک: رکنی یزدی، ۱۳۷۵: صفحه ۱۱ پی دی اف).

جدای از این، در نوشته ها و مقالاتی که درباره مناقشات حذیقة الشیعة و کاشف الحق در چند دهه اخیر نگارش شده اند، گاهی همان چند خط نقل های آقابزرگ تهرانی و مانند آن را که پیش تر تذکر دادیم، تکرار نموده اند (برای دیدن این آثار، ر.ک: استادی، ۱۴۰۲ظ: سراسرمتن). همچنین، قابل توجه است که برخی از آثار مرتبط - که قاعدتاً می بایست به ترجمه معزالدين پرداخته باشند - نیز یادکردی از ترجمه اردستاني ندارند، همانند:

۱. در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تألیف میرزا عبدالله افندی (م ۱۱۳۰ق) (ر.ک: افندی اصفهانی، بی تا: سراسرمتن) و أعیان الشیعة، اثر سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق) (ر.ک: امین عاملی، ۱۴۰۳: سراسرمتن) و نیز ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکُنیة أو اللقب یا کنی و

اللقاب، نوشته محمدعلی مدرس تبریزی (م ۱۳۷۳ق) (ر.ک: مدرس، ۱۳۶۹: سراسرمتن)، اشاره و ذکری از معزالدین محمد اردستانی نشده است.

۲. در مطلع انوار در احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند، اثر سید مرتضی حسین صدراافاضل (م ۱۴۰۷ق)، اشاره و ذکری از معزالدین محمد اردستانی نشده است (ر.ک: صدراافاضل، ۱۳۷۴: سراسرمتن).

۳. در کتاب خورشید خاور اثر سید سعید اختر رضوی (م ۱۴۲۳ق) که به تذکره علمای هند و پاکستان پرداخته است نیز اشاره و ذکری از معزالدین محمد اردستانی نشده است (ر.ک: رضوی، ۱۴۲۲: سراسرمتن).

۳. نام و تبار معزالدین اردستانی

در دوره صفویه، عده‌ای از علمای ایران و شام، به منطقه دکن (حیدرآباد جنوب هند) مهاجرت کرده‌اند که از جمله ایشان برخی از شخصیت‌های اردستانی است. به خاطر دوگانگی فرهنگ منطقه‌ها و نیز اصطلاحات رایج در عناوین شخصیت‌ها و ترجمه افراد در منطقه ایران و هند، جستجو و شناسایی نام و تبار معزالدین اردستانی، کمی مشکل است. در هر صورت، درباره نام و تبار وی می‌توان اطلاعاتی را مطرح نمود:

۱ - ۳. نام، لقب و کنیه

در برخی از نوشته‌ها و منابع اندکی که به اردستانی پرداخته، اسامی و عناوین مختلفی برای وی ذکر شده است که عبارت‌اند از: «امیر معزالدین محمد؛ سید امیر معزالدین محمد بن ظهیرالدین محمد حسینی اردستانی؛ لویزان؛ محمد بن ظهیرالدین محمد؛ محمد معزالدین اردستانی؛ معزالدین محمد [بن] ظهیرالدین محمد؛ معزالدین میر میران الأردستانی؛ معزالدین اردستانی؛ معزالدین لویزانی؛ معزالدین محمد بن محمد حسینی اردستانی؛ میر معزالدین محمد؛ میرمیران؛ میرمیران الحسینی».

سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ق) در یکی از مکاتباتش که پس از فوت اردستانی نوشته شده، وی را «میر معزالدین محمد» خوانده است (علامه فلسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). همچنین اردستانی خود را

در تفسیر هل اتی این گونه معرفی نموده است: «معزالدين محمد [بن] ظهير الدين محمد الشهير به ميرميران الحسيني» (ر.ک: اردستاني، ۱۰۴۴: ۷ عکسی). همو، در مقدمه کتابچه میاسه و مقداد، خود را «معزالدين اردستاني» خوانده است (اردستاني، ۱۳۶۴: ۵ - ۶).

شيخ آقابزرگ تهراني، در چند جا که از وی نام برده، وی را با این عناوین خوانده است: «معزالدين الأردستاني؛ معزالدين محمد الأردستاني؛ ميرميران معزالدين محمد بن ظهير الدين محمد الحسيني الأردستاني؛ سيد الأمير معزالدين محمد بن ظهير الدين محمد الحسيني الأردستاني، الشهير به لويزان أو بميرميران» (تهراني، ۱۴۰۸: ۳۴۳/۴ و ۲۳۶/۱۷ و ۳۲/۱۸ و ۳۳۳/۲۲). همچنین آقابزرگ وی را در چند جای کتاب طبقات خود، این گونه نام برده است: «معزالدين ميرميران الأردستاني؛ معزالدين لويزاني» (تهراني، بی تا: ۸/۴ و ۴۸۱/۵).

اما جدای از این ها، در کتاب حذیقة السلاطين، اثر صاعدی شیرازی (قرن ۱۱ ق)، که شامل گزارش وقایع دوران سلطان عبدالله قطب شاه (م ۱۰۸۳ ق)، از شخص دیگری با عنوان «محمد معزالدين مشرف الممالك» (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۹ و ۱۷۸) نام برده است که در آینده درخصوص وی سخن خواهیم گفت.

در هر صورت، اکنون و در دوره معاصر، وی به «ملا معزالدين اردستاني» مشهور شده است (برای دیدن این آثار، ر.ک: استادی، ۱۴۰۲ ظ: سراسر متن) که بعداً در خصوص عنوان «ملا» برای او، سخن خواهیم گفت.

۲ - ۳. پدر و خاندان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی متأسفانه اطلاعات چندانی از خانواده و خاندان معزالدين اردستاني به دست نیامد؛ چند مورد که یافته شد، عبارت اند از:

۱ - ۲ - ۳. پدر معزالدين؛ ظهير الدين محمد حسيني اردستاني (زنده ۱۰۴۷ ق)

اشاره شد که اردستاني در تفسیر هل اتی، خود را «معزالدين محمد [بن] ظهير الدين محمد» معرفی کرده است (ر.ک: اردستاني، ۱۰۴۴: ۷ عکسی). جدای از این، در یک نسخه خطی با عنوان نونویس «شواهد الأئمة» (یعنی همان کتاب موسوم به کاشف الحق) با تاریخ کتابت ۱۰۶۲ ق (ر.ک: روضاتی، ۱۳۹۳: ۳۵۷) و نیز نسخه خطی «طهارة الاعراق» (ر.ک:

۲ - ۲ - ۳. خاندان و تبار معزالدين

چند نفر از این خاندان و وابستگان به معزالدين اردستاني شناسایی شدند که از این قرارند:

یک. غياث الدين دشتکی (م ۹۴۸ق) جدّ معزالدين

اردستاني در مطلب سوم کتاب تفسير هل اتي نوشته است: «استاد البشر عقل حادی عشر سيد اعظم الحکما سند افاحم العلما امير غياث الدين منصور الحسيني الدشتکی که به چهار واسطه جد مادری مؤلف نکات [نویسنده] است...» (اردستاني، ۱۰۴۴: ۳۱). غياث الدين دشتکی کتابی نیز در تفسير سورة هل اتي با عنوان تحفة الفتی فی تفسير سورة هل اتي دارد که معزالدين اردستاني از آن نیز در تفسير خود بهره برده است (همان). غياث الدين منصور دشتکی، فیلسوف، منطق دان، متکلم و عالم در تفسير، عرفان، اخلاق، هیئت، رياضيات و طب در قرن نهم و دهم هجری است (ر.ک: بهارزاده و دیگران، ۱۳۹۳: سراسر متن).

دو. سيد علی خان مدنی (م بعد از ۱۱۱۸ق) خويشاوند معزالدين

افندی مؤلف رياض العلماء و حياض الفضلاء در شرح حال سيد علی خان مدنی به نقل از «بعض أفاضل» و نوشته ای با تاريخ ۹۸۲ق آورده است: «... و أما من جهة الام فأكون ابن القانتة بنت غياث الحکماء ابن صدر الحکماء...» (افندی، بی تا: ۳۶۴/۲). صاحب کتاب الْقَوَائِدُ الرِّضْوِيَّةُ فِي أَحْوالِ عُلَمَاءِ الْمَذْهَبِ الْجَعْفَرِيَّةِ نیز، سيد علی خان مدنی را از نوادگان غياث الدين دشتکی دانسته و نوشته است: «... منصور بن صدر الدين محمد بن ابراهيم الحسيني الدشتکی ملقب به غياث الدين استاد بشر و عقل حادی عشر... بالجمله أن جناب یکی از اجداد سيد علی خان مدنی شیرازی است» (ر.ک: قمی، ۱۳۲۷: ۶۶۸/۲). سيد صدرالدين علی بن احمد بن محمد معصوم حسینی دشتکی شیرازی (۱۰۵۲ - ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۰ق)، مؤلف رياض السالکين در شرح صحيفه سجادية، معروف به سيد علی خان مدنی و سيد علی خان کبير است که در نزد عرب، به «ابن معصوم مدنی» خوانده می شود (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹: ۷ - ۱۹؛ رضوی، ۱۳۹۱: سراسر متن؛ رحیمی، ۱۳۹۷: صص ۱۱ - ۳۴). بنابراین با توجه به آنچه گذشت، معزالدين اردستاني در جد خود با سيد علی خان مدنی و نیز پدر وی، امير نظام الدين احمد معصوم حسینی دشتکی، مشترک و هم خانواده است.

سه. سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ق) فامیل معزالدین

از آن جایی که امیر نظام‌الدین احمد بن محمد معصوم حسینی دشتکی، داماد سلطان عبدالله قطب‌شاه بوده است، پس معزالدین اردستانی با شاه نیز لاقلاً نسبت سببی دارد. عبدالله قطب‌شاه پسر سلطان محمد قطب‌شاه، هفتمین فرمان‌روای پادشاهی گلکنده یا سلسله قطب‌شاهیان در جنوب هند بود (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: سراسر متن).

۴. تولد معزالدین و محل ولادت او

با جستجوی در منابع و اسناد، اطلاع روشنی از تاریخ ولادت اردستانی یافت نشد؛ اما معزالدین اردستانی در مقدمه تفسیر هل اتی - که ظاهراً در تاریخ ۱۰۴۴ق تألیف شده -، نوشته که در «عنفوان جوانی» بوده است (ر.ک: اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ - ۱۲ عکسی). همچنین، همو، وقتی به منصب دبیری در حضور سلطان عبدالله قطب‌شاه نائل شده است، در «آوان شباب» بوده است؛ همان‌طور که صاعدی شیرازی گزارش کرده است: «... در آوان شباب جامع فنون فضائل شده و مجلسی دولت محل بود در این وقت به منصب دبیری، حضور سرافراز ساخته مجلسی حضور نمودند» (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷). این نقل کتاب حقیقة السلاطین، در ضمن گزارش وقایع «سنه هزار و چهل و پنج هجری» است (همان: ۱۵۸). بنابراین، در سال‌های ۱۰۴۴ق و ۱۰۴۵ق، معزالدین اردستانی ظاهراً حدود ۲۰ تا ۲۵ سال داشته است.

با توجه به این اطلاعات، احتمالاً تاریخ تولد اردستانی، حوالی سال‌های ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۵ق بوده باشد. همچنین با توجه به منصب قاضی القضاتی پدر معزالدین در دولت قطب‌شاهیان (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷، ۲۰۹ و ۲۱۲) و سابقه احتمالی حضور این پدر در منطقه دکن و حیدرآباد هند، ظاهراً معزالدین اردستانی، متولد همان منطقه، یعنی حیدرآباد هند است.

۵. مذهب معزالدین

در باره مذهب محمد اردستانی از چند منظر، تأملاتی را می‌توان عنوان نمود؛ مثلاً به این که آیا وی از عامه و اهل سنت بوده است یا شیعه و امامی؟ و رنگ و بوی شیعی او چگونه بوده است؟ یا مثلاً، صرف‌نظر از مذهب اسلامی معزالدین، آیا تمایلات عرفان - تصوف یا فرقه‌ای داشته است یا خیر؟

۱- ۵. وضعیت گرایش اسلامی اردستانی

با توجه به شواهدی می‌توان گفت که اردستانی مذهب شیعه با و گرایش تند «ولایی - تهرائی»، همانند جو حاکم دوران صفویه ایران و نیز منطقه جنوب هند را داشته است. برخی از این شواهد عبارت‌اند از:

۱- ۵. تألیف «تفسیر هل‌اتی»

در مقدمه تفسیر هل‌اتی، معزالدین اردستانی نوشته است:

... چون به مساعی جمیله و سلسه علیه و خانواده رفیعه این پادشاه غازی ...، ترویج دین مبین ائمه اثناعشر علیهم صلوات الله الملك الاکبر شده، آن است که سوره شریف هل‌اتی را که در شأن صفات حمیده و سمات پسندیده شیر بیشه شجاعت و سخا و شهنسوار میدان لافتی حیدر کرار و عترت اطهار او نازل شده، ترجمه فارسی نمایی ... (اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ - ۱۲ عکسی).

همین انتخاب تفسیر سوره و تقریر دلیل انتخاب، می‌توان شاهد خوبی بر مذهب معزالدین اردستانی باشد.

۲- ۱- ۵. برخی از عبارات به کار رفته در «تفسیر هل‌اتی»

در متن تفسیر هل‌اتی نیز به عباراتی بر می‌خوریم که گویای گرایش خاص مذهبی اردستانی است؛ این عبارات را می‌توان در سه دسته مطرح نمود:

یک. عبارات درباره حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام

در متن تفسیر هل‌اتی، برخی عبارات درباره حضرت زهرا علیها السلام چنین آمده است:

... مادر سادات و مجمع سعادات، منبع کرامت، مطلع امامت، بانوی سرافرده عرب و

قبول بضعه حضرت رسول، بتول عذرا فاطمه زهرا علیها السلام ... (همان: ۱۵ عکسی).

... حضرت سیده النساء فاطمه زهرا صلی الله علیها و آلهما ما اظلت [الزرقا و اقلت]

الغبیرا ... (همان: ۶۸ عکسی).

... سید ابرار و خلاصه اخیار علیه و علی آله صلوات الله الملك الجبار ... (همان:

۲۵ عکسی).

دو. عبارات دربارهٔ خلیفهٔ دوم

همچنین در متن همین تفسیر، برخی عبارات تند دربارهٔ عمر بن الخطاب آمده است:

... در خلافت عمر بن خطاب ... (همان: ۲۴ عکسی).

... فویل لمن بغض و غضب علی فاطمه فهو ... (همان: ۶۸ عکسی).

سه. کتابت یا تألیف «کاشف الحق»

پیش‌تر در مقدمه اشاره شد که معرکه‌آرایی دربارهٔ انتساب کتاب کاشف الحق و نیز حقیقة الشیعة (محرف یا غیر محرف آن) به افراد مختلف وجود دارد (ر.ک: استادی، ۱۴۰۲ ظ: سراسرمتن). اگر انتساب این اثر که «در حقیقت حضرت امیر علیه السلام و باقی ائمه علیهم السلام به امامت و اولویت آن برگزیدگان» و در پنج فصل آن مطاعن خلفای صدر اسلام است به معزالدین اردستانی قابل قبول باشد، نشانگر مذهب شیعهٔ اثنا عشری ولایی - تبرائی است. جدای از این، با فرض انتساب کاشف الحق به شیخ محمد خاتون عاملی (م ۱۰۵۹ ق) یا دیگران، قابل توجه است که این اثر ظاهراً توسط ملامعزالدین اردستانی کتابت شده است (ر.ک: خاتونستانی، ۱۰۵۸).

۲- ۵. وضعیت گرایش تصوّفی اردستانی

دربارهٔ گرایش «عرفانی، فلسفی و تصوّفی» معزالدین اردستانی، اسناد بخصوصی یافت نشد؛ اما در برخی از نوشته‌های معاصر، ادعا شده که معزالدین «تمایلات آشکار صوفیانه» داشته است (ر.ک: دوستی، ۱۳۹۶: ۳۸؛ همو، ۱۴۰۲: ۱/۲۳۴ - ۲۶۳، دلیل سوم). این ادعا، با اثبات دو فرض، می‌تواند قابل بررسی و دلیل بر تصوّف معزالدین محسوب گردد: ۱. اثبات شود که کتاب موسوم به کاشف الحق، سرقت از حقیقة الشیعة منسوب به مقدّس اردبیلی است؛ نه به عکس، یعنی کتاب حقیقة الشیعة انتحال همراه با اضافات از کاشف الحق است؛ ۲. اثبات شود که مؤلف کتاب موسوم به کاشف الحق، تألیف معزالدین اردستانی است؛ نه دیگری. اکنون هر دوی این فرض‌ها، محل گفتگو هستند؛ یعنی شواهد مختلفی قابل طرح است که تنظیم‌کنندهٔ حقیقة الشیعة کنونی، از کتاب موسوم به کاشف الحق سرقت نموده و اضافاتی بر کاشف گنجانده است (برای نمونه، ر.ک: تدّین، ۱۳۶۴: سراسرمتن؛ ذاکری، ۱۳۷۵: سراسرمتن). همچنین، شواهد متعددی قابل بیان است که اساساً مؤلف کتاب موسوم به کاشف الحق، شخصی به غیر از

اردستانی است، مثلاً شیخ محمد خاتون عاملی (۱۰۵۹ق)، استاد معزالدین اردستانی.

۶. تحصیل، اساتید و تدریس معزالدین

اطلاعات قابل توجهی از وضعیت تحصیل و کسب مدارج علمی محمد اردستانی به دست نیامد؛ اما همین اسناد به دست آمده را می توان در چند بخش ارئه داد:

۱ - ۶. تحصیل و اساتید معزالدین

با جستجوی بسیار، برای مراحل تحصیل و اساتید معزالدین، جز نام شیخ محمد خاتون (م ۱۰۵۹ق)، به نام استاد دیگری دست نیافتیم. در مقدمه تفسیر هل ائی که ظاهراً در سال ۱۰۴۴ق تألیف شده است، معزالدین اردستانی به ذکر نام استاد خود، یعنی «محمد المشتهر به ابن خاتون عاملی»، اقدام می نماید (اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ - ۱۲ عکسی). همچنین در فصل «ذکر تفویض نمودن منصب جلیل القدر پیشوائی دفعه دیگر به نواب علامی فهامی شیخ محمد» کتاب حقیقة السلاطین که در سوانح سال ۱۰۴۵ق، درباره تملذ معزالدین اردستانی نزد ابن خاتون مطالبی آمده است (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷).

با توجه به اطلاعات بالا و نیز این که صاعدی شیرازی مؤلف حقیقة السلاطین، شمار متعددی از علمای آن دوران را (تا سال ۱۰۵۳ق) در کتاب خود ذکر نموده (برای نمونه، ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۷۳ - ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۹ - ۱۷۱، ۱۷۴ - ۱۷۶، ۲۰۹ و ۲۲۶)؛ ولی اشاره ای به عناوین «شیخ و ملا» برای معزالدین نکرده است.

۲ - ۶. تدریس و وضعیت ملایی معزالدین

هیچ اطلاعاتی درباره وضعیت کرسی تدریس معزالدین که نشانه اهل فضل بودن و عبور از مرحله طلبگی وی باشد، نیافتیم. با توجه به مطالب عنوان قبل، به نظر می رسد که اردستانی، حداقل تا تاریخ ۱۰۵۳ق (سال نوزدهم جلوس سلطان عبدالله قطب شاه) و با اطلاعاتی که خواهد آمد، ظاهراً تا آخر عمر، یک طلبه معمولی و در حد دبیری مجلس سلطان و کاتب نسخ بوده است. برای نمونه، در یکی از مکاتبات سلطان عبدالله قطب شاه که قاعدتاً پس از سال ۱۰۶۶ق و

مطمئناً پس از فوت معزالدين اردستاني به نگارش درآمده، وی را «عمدة سادات عظام، قدوة نقبای کرام، مير معزالدين محمد» خوانده است (علامه فلسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). این در صورتی است که همین سلطان عبدالله در ذکر نام ابن خاتون با تاریخ ۱۰۵۹ ق به شریف زید بن محسن (سلطان مکه، حکومت ۱۰۴۱ - ۱۰۷۷ ق)، ابن خاتون را این گونه خوانده است: «... حضرة الشيخ الأعظم الأجلّ الأجد الأفخم، خلاصة أجلاء المشايخ في الأمم، العلم العلامة المفيد، الجهبذ الفهامة المجيد، ذي الفضائل العديدة، و الخصائل الحسنة الحميدة، الماهر في معظم الفنون، الحاوی لجوامع علم هو عن غيره مصون، عين الإنسان و إنسان العيون، الشيخ محمد الشهير بابن خاتون ...» (تاج الدين مکی، ۱۱۴۲: ۶۳ - ۶۵؛ به نقل از المکاتبات المکیة: ۳۲۲) یا مثلاً، سلطان عبدالله در نامه‌ای به عمه خود با تاریخ ۱۰۶۰ ق، ابن خاتون را با عنوان «غفران مآب شیخ محمد خاتون» خطاب نموده است (ر.ک: علامه فلسفی، ۱۳۸۶: ۶۵).

از سوی دیگر، قابل توجه است که افرادی که در آن دوره حیدرآباد، اهل علم و دانش بوده‌اند، با عنوان «ملاً» و در مرحله‌ای بالاتر، با عنوان «شیخ» خطاب می‌شده‌اند و معزالدين اردستاني در منابع موجود از آن دوران، با چنین القابی خوانده نشده است و احتمالاً طلبه‌ای بوده است که بعد از تحصیل ابتدایی خود، به امور غیر علمی پرداخته است. هر چند که ملاشاه محمد بن محمد دارابی (قرن ۱۱ و ۱۲ ق) در حاشیه مسالک السالکین خود، معزالدين را «ملاً» خطاب کرده و نوشته است: «... حقیر در هند بود [حدود سال ۱۰۶۲ ق] که ملاً معز اردستاني این تألیف [کاشف الحق یا حقیقة الشیعه، کتابت] می‌کرد ...» (ر.ک: دارابی، ۱۴۱۸: حاشیه مورد ششم). در جستجوی منابع مختلف، شاید از اولین کسانی که وی را با عنوان «ملاً» خطاب کرده‌اند، صاحب ریاض السیاحة، یعنی میرزا زین‌العابدین شیروانی (م ۱۲۵۳ ق) باشد (شیروانی، ۱۳۳۹: ۵۵؛ نیز ر.ک: شیروانی، ۱۳۴۸: ۴۱۸؛ به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۲۳).

به هر حال، در منابع معاصر و چند دهه اخیر، از اردستاني با عنوان «ملاً معزالدين» یاد می‌شود؛ بعید نیست که این استناد و ترویج عنوان «ملاً» برای معزالدين، به خاطر انتساب کتاب کاشف الحق و سطح محتوای این کتاب یا یادکرد شیروانی صاحب حدائق السیاحة باشد. برای نمونه، آقابزرگ تهرانی در یک مورد از چندین باری که در جای جای الذریعة و طبقات، نام

معزالدين را آورده است، از او با عنوان «مولی معزالدين الأردستاني» یاد کرده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۲/۳۳۳) و یا حتی آیه الله مرعشی نجفی در حاشیه یک نسخه از کتاب موسوم به کاشف الحق نوشته است: «كتاب اثبات امامة أمير المؤمنين و مطاعن أعدائه للعلامة المورخ المحدث المتكلم معزالدين محمد الأردستاني، ألفه في حيدرآباد الهند باسم السلطان عبدالله قطبشاه ملكها الشيخ الشهير، و فرغ من تأليفه سنة ۱۰۵۸؛ رتبه على مقدمة و اثني عشر فصلاً و خاتمة» (خاتونستاني، ۱۳۳۱: برگ عطف ابتدای نسخه).

بنابراین، به نظر می‌رسد که اگر کتاب کاشف الحق، تألیف معزالدين اردستاني نباشد - که شواهد مختلفی گویای آن است -، ظاهراً دانش معزالدين اردستاني در حد همان تفسیر ساده سورة هل اتی و نیز دبیری در محضر سلطان و یا کتابت نسخ، بوده است.

۷. آثار و تألیفات

از معزالدين اردستاني، آثار و تألیفات قابل توجه و زیادی شناسایی نشد. همین اندک آثار نیز محل ابهام و گفتگو یا پیچیدگی‌های در انتساب هستند که برای توجه بهتر، در چند دسته مجزا طرح و معرفی می‌شوند:

۱ - ۷. آثار و تألیفات معلوم

از معزالدين اردستاني، دو اثر که یکی ترجمه و دیگری تألیف است شناسایی شد که ظاهراً انتساب آنها به او روشن و بدون خدشه است:

۱ - ۱ - ۷. میاسه و مقدار

یک نسخه خطی متقدمه و یک دستویس جدید، از نوشته‌ای داستانی در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان با عنوان میاسه و مقدار وجود دارد که در مقدمه آن، مؤلف خود را «معزالدين اردستاني» خوانده است. مشخصات این نسخه‌ها، عبارتند از:

۱. عنوان: میاسه و مقدار. پدیدآور: حسینی اردستاني، معزالدين بن ظهیرالدين. موضوع: داستان و شعر. زبان: فارسی. آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی. الحمد لله رب العالمین، حمدله حمد الشاکرین صلاه و بعد اقل الخلیقه بل لاشیء فی الحقیقه ... معزالدين الاردستاني

مصدع برادران گشته ابراز می‌دارد که روزی در خدمت سید فاضل ...؛ انجام: ... و میاسه که خود مؤمنه‌ای بود، مثل شوهرش در راه حقانیت دین بر حق جد و جهد می‌نمود؛ و هر چه داشتند به فقرا بخش نمودند ... وضعیت استنساخ: ربیع‌الثانی ۱۰۸۰ ق. مشخصات ظاهری: نستعلیق خوش، ۵۶ صفحه. شماره بازبایی نسخه: ۱۰۷۶۱. مرکز نگهدارنده: اسلام آباد پاکستان؛ کتابخانه گنج‌بخش (منزوی، ۱۳۶۵: ۱۰۰۵/۶).

۲. عنوان: میاسه و مقدار. موضوع: داستان و شعر. زبان: فارسی. وضعیت استنساخ: ۱۳۶۴ ش. بهاء الدین افغانی (وکیلی پوپلزایی). مشخصات ظاهری: دستنویس، ۹۳ صفحه. شماره بازبایی نسخه: ۱۳۳۲۶. مرکز نگهدارنده: اسلام آباد پاکستان؛ کتابخانه گنج‌بخش (ر.ک: تسییحی، ۱۳۸۴).

این نسخه در طبقات اعلام الشیعة نیز معرفی شده است (تهرانی، بی‌تا: ۱۷۰) و متن آن در نشریه دانش، به کوشش بهاء الدین افغانی چاپ شده است (اردستانی، ۱۳۶۴: ۵ - ۶).

۲ - ۱ - ۷. تفسیر سورة هل اتی = تفسیر قطب شاهی (دهم رجب ۱۰۴۴ ق)

سورة «انسان یا دهر یا هل اتی»، هفتاد و ششمین سورة قرآن است که دارای ۳۱ آیه و در جزء ۲۹ قرآن قرار دارد. گفته می‌شود که برخی از آیات این سورة در شأن و فضیلت اهل بیت (علیهم‌السلام)، در جریان نذر و اطعامی که سه روز پیایی به مسکین و یتیم و اسیر داشتند، نازل شده است. معزالدين اردستانی به پیشنهاد استاد خود شیخ محمد خاتون (م ۱۰۵۹ ق)، تفسیر مختصر ترجمه‌گونه ساده‌ای - که جمع‌آوری برخی مطالب و اشعار است - از این سورة انجام داده است. مؤلف برای تفسیر این سورة، به تفاسیر عامه و امامیه (همانند تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر أنوار التنزیل بیضاوی و مجمع البیان طبرسی) مراجعه و نقل قول نموده و اشعاری متناسب را نیز از شعرا و مخصوصاً شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق)، در ضمن مطالب، در حدود چهل صفحه نقل کرده است (ر.ک: اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ - ۱۲ عکسی).

تنها نسخه خطی که از این تفسیر یافتیم، با مشخصات زیر است:

کتابخانه آستان قدس رضوی؛ شماره نسخه: ۱۲۵۷. آغاز نسخه: سپاس مکرمت اساس معرف اقتباس و ستایش بیرون از حیطه حصر و دایره قیاس که سخنوران موزون طبع کامل عیار

و پاکیزه طبعان سخن سنج اولوالابصار ...؛ انجام نسخه: بارالها به حق سید ابرار و عترت اطهار او که این سوره شریفه در حق ایشان نازل فرمودی ... ما را در کنف حمایت و ظل حراست خود مصون و محفوظ بدار. تمام شد سوره فصاحت و بلاغت نظام اعجاز... یوم الأحد آخر العشر الأول من شهر السابع من السنة الرابعة من العشر الخامسة بعد الألف من الهجرة النبوية عليه و علی آله الف الف صلوة و الف الف تحية تم. خط: نستعلیق. کاتب: نامشخص. تاریخ کتابت: یکشنبه ۱۰ رجب ۱۰۴۴ق؛^۱ عناوین آیات: به شنگرف. اوراق مجدول به زر تحریردار و لاجورد. دارای یک سرلوح مذهب به شکل نیم‌ترنج بر بالای کتیبه بازوبندی. واقف: اسدالله بن محمد مؤمن ابن خاتون عاملی، تاریخ وقف: ۱۰۶۷ق. جلد: پارچه‌ای زرد اخی. تعداد صفحات: ۴۳ برگ، ۱۷ سطر، اندازه: ۲۲*۱۲سم [آستان قدس - ف: ۱ - ۴۳۷].

۲ - ۷. آثار و تألیفات مشکوک

چند اثر و کتاب نیز قابل ذکرند که انتساب آنها به معزالدين اردستاني محل گفتگو و مناقشه است و لازم است تا این انتساب‌ها به درستی تبیین و اثبات شوند. این موارد عبارت‌اند از:

۱ - ۲ - ۷. آثاری جنگ‌مانند

نسخه‌های خطی جنگ‌مانندی وجود دارند که در برخی از آنها، فهرست‌نویسان نسخ، صاحب اثر را اردستاني معرفی نموده‌اند که از آن جمله است نسخه «جنگ معزالدين اردستاني» که «فهرست کتابخانه فردوسی کالج وادام دانشگاه اکسفورد» با شماره ۲۴۴ معرفی شده است (میرانصاری، ۱۳۹۴: ۱۳۷) و جناب آقای مصطفی درایتی نیز توضیحاتی بر این نسخه فرموده‌اند (درایتی، ۱۳۹۵: ۱۴).

اکنون چند مطلب و اطلاع، قابل توجه و پیگیری است: یک. در مقدمه نسخه متتم منتخب تاریخ الحکماء (برای نمونه، ر.ک: ناشناس؛ شاید اردستاني، ۱۱۰۵: ۱۳۸ و ۱۳۹). دو. همان‌طور که اشاره شد، در مقدمه نسخه متتم منتخب تاریخ الحکماء موجود در کالج وادام اکسفورد که با عنوان جنگ معزالدين اردستاني فهرست شده، نام صاحب اثر، با این عبارت «این

۱. خوانش تاریخ کتابت، کمی پیچیده است و چند احتمال برای آن قابل طرح است: ۹ رجب ۱۴۰۳ق؛ ۱۰ رجب ۱۴۰۴ق؛ ۹ رمضان ۱۴۰۴ق؛ ۹ رجب ۱۴۰۵ق؛ ولی ظاهراً یکشنبه ۱۰ رجب ۱۴۰۴ق، صحیح است.

قلیل البضاعة معزالدين محمد اردستاني» آمده است (اردستاني، قرن ۱۱ و ۱۲: مقدمه او ۲). سه. دو نسخه نیز با موضوع «گوناگون» در کتابخانه مجلس وجود دارد که ظاهراً مجموعه هستند و با عنوان «جنگ ملامعزا» فهرست شده‌اند (اردستاني، ۱۱۰۵: سراسرمتن). همچنین ملاحظه کنید، نسخه‌های با عناوین «منتخابات معزالدين اردستاني» (بیش، ۱۳۴۲: ۹۵).

از سوی دیگر دانسته است که کتاب عربی تاریخ الحکماء قبل ظهور الإسلام و بعده (نزهة الأرواح و روضة الأفراح)، نوشته محمد بن محمود شهرزوری که در سال ۶۸۷ق تألیف شده و شامل شرح حال دانشوران و حکیمان است، ظاهراً در سال ۱۰۱۱ق به دستور جلال‌الدین اکبرشاه یا سلیم بن اکبر (جهانگیر گورکانی، حکومت ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ق) توسط مقصودعلی تبریزی به فارسی برگردانده شده و نگارش این ترجمه به سال ۱۰۱۴ق پایان یافته و به جهانگیرشاه اهدا شده است و اکنون نسخه‌ای متقدم از آن با تاریخ کتابت ۱۰۱۹ق، در کتابخانه دیوان هند (مکتب الهند) موجود است (ر.ک: تبریزی، ۱۰۱۹: سراسرمتن).

بنابراین با توجه به این مقدمات و اگر واقعاً آن جنگ، ترجمه و تألیف اردستانی باشد، اکنون ما با چند اثر مجزا، یا «مجموعه شده (سه اثر در یک نسخه)»، منسوب به معزالدين اردستاني روبه‌رو هستیم که عبارت‌اند از:

۱. منتخب ترجمه تاریخ الحکما (برای نمونه، ر.ک: ناشناس، ۱۰۶۱: برگ آخر؛ اردستاني، قرن ۱۱ و ۱۲: مقدمه او ۲).

۲. اخلاق پادشاهی (= جنگ ملا معزا = انتخاب جنگ قطب‌شاه) (ر.ک: ناشناس، ۱۰۶۱: برگ اول).

۳. متمم منتخب تاریخ الحکما (= جنگ معزالدين اردستاني = انتخاب جنگ قطب‌شاه). از این اثر که ظاهراً حدود سال ۱۰۵۴ق یا پس از آن تألیف شده، نسخه‌های متعددی (حدود ده نسخه) در دسترس است (ر.ک: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: <https://www.nlai.ir>).

۲ - ۲ - ۷. کتابی در موضوع امامت

این کتاب که فعلاً با عنوان کاشف الحق مشهور شده، اثری در موضوع امامت و اثبات آن است که فهرست مطالب آن، پیش‌تر در مقدمه گذشته و از ذکر دوباره آن خودداری می‌کنیم.

این اثر مورد مناقشه که همانندی‌های بسیار با کتاب موسوم به حقیقة الشیعة منسوب به مقدّس اردبیلی دارد، عناوین بسیاری برایش ذکر شده است؛ همانند: «الامامة، امامت، امامت امیرالمؤمنین، تحفه بهشت آئین، تحفه مجلس بهشت آئین، تذکرة الائمة، حدائق الشیعة، حقیقة الشیعة، حدیقة الشیعة المحرفة، حدیث بساط کوچک، دلائل الشیعة، رساله فی معرفة الائمة و الامامة، روضة الأخیار فی مناقب الائمة الأطهار، روضة الأخیار فی معرفة الائمة الأطهار، فوز النجاة، فوز النجاح، فوز بنجات و وصول اعلى درجات، کاشف الأسرار، کاشف الحق، کاشف الحق و الأسرار، کشف الحق، کشف الحق فی الامامة، مجالس المؤمنین، مناقب قطب‌شاهی، مناقب مرتضوی، وسیلة النجاة، هداية العالمین إلى الصراط المستقیم، هداية العالمین».

این دو اثر، یعنی کاشف الحق و حدیقة الشیعة، سر جمع به بیش از ده نفر منتسب شده‌اند که عبارتند از: ۱. علامه حلی (م ۷۲۶ق)؛ ۲. احمد بن محمد اردبیلی (م ۹۹۳ق) معروف به مقدّس اردبیلی و محقق اردبیلی؛ ۳. سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری (م ۱۰۱۹ق) مشهور به قاضی نورالله شوشتری؛ ۴. شیخ محمد بن علی خاتون عاملی (م ۱۰۵۹ق) معروف به ابن خاتون عاملی؛ ۵. معزالدين محمد حسینی اردستاني (متوفی بعد از ۱۰۶۶ق) معروف شده به ملا مُعزّالدين اردستاني؛ ۶. معین‌الدین حیدرآبادی؛ ۷. میر معزالدين محمد خاتون آبادی؛ ۸. روحی [یا لوحی] معرکه‌گیر قمی (قرن ۱۱ق)، از شاگردان مقدس اردبیلی؛ ۹. سید محمد موسوی حسینی سبزواری اصفهانی (م ۱۰۸۳ - ۱۰۸۷ق) مشهور به میرلوحی؛ ۱۰. علی‌رضا تجلی شیرازی (م ۱۰۸۳ - ۱۰۸۵ق)؛ ۱۱. برخی از خطبای ناشناس دوره میرلوحی (حدود قرن ۱۲ق)؛ ۱۲. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (م ۱۱۱۰ق) مشهور به علامه مجلسی؛ ۱۳. یکی از شاگردان علامه مجلسی (ق ۱۲ق). اگر با دلایلی کافی و مانع، اثبات شود که کتاب موسوم به کاشف الحق از معزالدين اردستاني است، آن‌گاه می‌توان این اثر را مهم‌ترین تألیف وی بر شمار آورد.

۸. مشاغل و فعالیت‌ها

شاید بتوان بر اساس برخی اطلاعات و اسناد، فعالیت‌ها و مشاغل را برای معزالدين اردستاني مطرح نمود؛ که البته هیچکدام دلالت بر تحصیلات عالی و رتبه علمی قابل توجهی برای وی، نمی‌نمایند؛ که این مشاغل از این قرارند:

۱ - ۸. دبیری سلطان

پیش‌تر درخصوص تحصیل اردستانی از کتاب حذیقة السلاطین، گزارشی بیان شد؛ در ادامه همان گزارش با تاریخ ۱۰۴۵ق آمده است: معزالدين اردستانی که یکی از تلامیذ علامی فهامی شیخ محمد خاتون است: «... و کسب علوم معقول و منقول و کمالات دیگر از نواب مشار الی القابه نموده و در آوان شباب جامع فنون فضائل شده و مجلسی دولت محل بود در این وقت به منصب دبیری، حضور سرافراز ساخته مجلسی حضور نمودند» (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷).

همو، یک بار دیگر نیز در ذکر سوانح سال ۱۰۴۷ق نوشته است: «... و مشارالیه [ظهیرالدین محمد نجفی] را با ولد خلفش میرمیران که قبل از این به منصب دبیری سرافراز شده در سلک مجلسیان تشریفات حضور موفور السرور منتظم گردیده بود به حضور اشرف طلب نموده ...» (ر.ک: همان: ۲۰۹).

بنابر این گزارش‌ها، پیداست که معزالدين اردستانی لااقل در سال‌های ۱۰۴۵ تا ۱۰۴۷ قمری، منصب دبیری و کتابت در مجلس سلطان عبدالله قطب‌شاه را در اختیار داشته است.

۲ - ۸. تولیت اوقاف

با توجه به محتوای متن یک مکتوب عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ق) سلطان حیدرآباد جنوب هند، به نظر می‌رسد که معزالدين اردستانی، منصب تولیت یا مدیریت برخی از اوقاف را در اختیار داشته است (ر.ک: علامه فلسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۴ - ۱۲۶).

۳ - ۸. میرمیران

معزالدين اردستانی، در تفسیر هل اتی، خود را مشهور به «میرمیران الحسینی» معرفی نموده است (ر.ک: اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ عکسی). همچنین صاحب حذیقة السلاطین، در فصل «ذکر تفویض نمودن منصب جلیل القدر پیشوائی دفعه دیگر به نواب علامی فهامی شیخ محمد و بیان مرحمت نمودن منصب سرخیلی به سید عبدالله خان مازندرانی» و نیز فصل «ذکر شمه‌ای از احسان و اکرام خاقان سکندر احتشام نسبت لبسایر خواص و عوام طبقات انام و بذل جهد و رعایت صله رحم و شفقت بحال اقوام و اقبائی نیکو فرجام»، معزالدين را با عنوان «میرمیران» خطاب نموده است (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۶۷ و ۲۰۹).

عنوان میرمیران در معانی مختلفی به کار رفته است؛ همانند: امیرالامراء و نیز سیادت افراد. اکنون روشن است که طبق شواهد حقیقة السلاطین (همان) و نیز یادکرد «الحسینی» در کتاب تفسیر هلاکاتی (اردستانی، ۱۰۴۴: ۷ عکسی)، معزالدین از سادات است و به کارگیری لفظ میرمیران برای وی، قاعدتاً استبعاد ندارد؛ اما اگر مفهوم عنوان «میرمیران» را به عنوان «امیر امیران، امیرالامراء، فرمانروای فرمانروایان» فرض نماییم، به این معناست که وی در منصب حکومتی نظامی یا مانند آن مشغول بوده است؛ ولی ما بر هیچ شاهی برای این فرض، به عنوان شغل معزالدین دست نیافتیم.

۴ - ۸. مشرف الممالک

میرزا نظام الدین احمد صاعدی شیرازی (قرن ۱۱ق)، صاحب کتاب حقیقة السلاطین که خود نیز همدرس و شاگرد ابن خاتون بوده است، در چند جای اثرش از شخصی با عنوان «محمد معزالدین مشرف الممالک» (ر.ک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱: ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۹ و ۱۷۸) و در یک جا نیز با عنوان «میر محمد معزالدین محمد مشرف» (همان: ۲۲۳) یاد کرده است؛ اما از این که مصحح کتاب حقیقه، یعنی سید علی اصغر بلگرامی، نام «محمد معزالدین مشرف الممالک» و نیز معزالدین اردستانی یعنی میرمیران (همان: ۱۶۷، ۲۰۹) را با دو عنوان، در «فهرست اعلام» درج و ثبت نموده، به نظر می‌رسد که ظاهراً آنها دو شخصیت باشند. ولی اگر این دو یادکرد و عنوان، یک نفر باشند، می‌توان نتیجه گرفت که معزالدین اردستانی دارای شغل یا منصب «مشرف» یا «مشرف الممالک» نیز بوده که عنوان کسی است که به «امور مالی، حسابرسی و گاه نظارت کلی مناطق یا املاک یا دیوان‌ها» گماشته می‌شده است.

۹. وفات و فرزندان

همانند تاریخ ولادت، زمان وفات معزالدین اردستانی نیز روشن نیست. در هر صورت، با توجه به برخی اطلاعات و اسناد می‌توان مطالب و احتمالاتی درباره تاریخ تقریبی وفات وی و نیز اشاراتی به اعقاب و فرزندان وی عنوان نمود:

۱ - ۹. زمان و مکان مرگ

اکنون اطلاع روشن و دقیقی از زمان وفات ملا معزالدین اردستانی نداریم، تنها اجمالاً می‌دانیم که به اعتبار کتابت یا تألیف کتاب کاشف الحق، تا سال ۱۰۵۸ق زنده بوده است؛ اما اطلاعاتی از

دیگران وجود دارد که نشان می‌دهد وی تا سال ۱۰۶۲ قمری نیز در قید حیات بوده است. ملاشاه محمد بن محمد (با شهرت اصطهباناتی، دارابی، دارابجردی و شیرازی) عارف و شاعر و تذکره‌نویس قرن ۱۱ و ۱۲ ق، در تذکره لطایف الخیال، اشاره دارد که در سال ۱۰۶۲ ق مدتی در هندوستان اقامت داشته است. مثلاً نوشته است: «... در سنه هزار و شصت و دو که بنده وارد هند شد، در بندر سورت اقامت نموده بود...» (دارابی، ۱۳۹۱: ۲۲۸/۱). از سوی دیگر، دارابی در حاشیه مسالک السالکین خود نوشته است: «... حقیر در هند بود که ملا معز اردستانی این تألیف [کاشف الحق یا حقیقة الشیعة] می‌کرد تا آن که در تاریخ آخر سنه اربع و مائه و الف در اصفهان دید که همان تألیف ملا معز است که با بعضی ملحقات به نام ملا شده [است]» (ر.ک: دارابی، ۱۴۱۸: حاشیه مورد ششم). همچنین، صاحب حدائق السیاحه نیز نوشته است: «... ملا شاه محمد شیرازی می‌گفته که من ملا معز اردستانی را که مؤلف حقیقة الشیعة است، دیدم و از معزی‌الیه پرسیدم که [او] کتاب حقیقة الشیعة را به خود منسوب کرد و در مذمت صوفیه هیچ نگفت» (ر.ک: شروانی، ۱۳۴۸: ۴۱۸؛ به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۲۳).

از سوی دیگر در یکی از مکاتبات سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ ق) در باب وکالت میرسید میربحرانی - که از طرف نواب میرزا نظام الدین احمد، داماد سلطان مذکور، وکیل ضبط املاک ایشان شده - (ر.ک: مدنی، ۱۳۸۳: ۱۰)، آمده است: «... بنابراین چون درین هنگام خبر رسید که عمده سادات عظام، قدوة نقبای کرام، میر معزالدین محمد از این منزل ذلت به عزتگاه قدس و روضه رضوان انتقال نموده...» (علامه فلسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). این نامه بدون تاریخ است؛ اما با توجه به سال وفات سلطان عبدالله به سال ۱۰۸۳ قمری، روشن است که تاریخ نامه، به قبل از این تاریخ بر می‌گردد.

در این میان، اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد میرزا نظام الدین احمد معصوم الحسینی الشیرازی المدنی، یعنی همان داماد سلطان، تازه در سال ۱۰۶۶ ق به حیدرآباد هند منتقل شده و مورد استقبال سلطان عبدالله قطب‌شاه قرار گرفته و به ولیعهدی شاه منصوب شده است. بنابراین، نامه سلطان عبدالله در باب وکالت میرسید میربحرانی، پس از تاریخ ۱۰۶۶ ق نگارش شده است.

با توجه به جمیع اطلاعات یافته شده، ظاهراً ملاً معزالدین اردستانی لااقل تا سال ۱۰۶۲ ق در قید حیات بوده است و وفات وی پیش از تاریخ ۱۰۸۳ ق صورت گرفته است. بنابراین، بر اساس برخی شواهد که بیان شد، وفات سید معزالدین اردستانی، میانه ۱۰۶۶ تا ۱۰۸۳ ق بوده و ظاهراً در همان منطقه دکن (حیدرآباد جنوب هند) رخ داده است. در این میان، در شناسه فهرست نویسی کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات وی را ۱۰۷۳ ق درج نموده اند که فعلاً استناد آن یافت نشد.

۲- ۹. فرزندان و اعقاب معزالدین

از اعقاب و فرزندان معزالدین اردستانی اطلاعات قابل قبولی یافت نشد؛ البته آقابزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعة، محمدصادق اردستانی (م ۱۱۳۴ ق) را فرزند معزالدین اردستانی دانسته است (تهرانی، بی تا: ۳۵۹ و ۳۶۰). دیگران نیز به تبع آقابزرگ تهرانی، مولی محمدصادق اردستانی حکیم معروف ساکن اصفهان را فرزند میر معزالدین محمد اردستانی دانسته اند (برای نمونه، ر.ک: عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱: ۴۵۹؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۵۷۵/۳). در مقابل، برخی از فضلا، همانند رحیم قاسمی، این انتساب فرزندی را نادرست دانسته و ملاً محمدصادق را «شیخ» و معزالدین اردستانی را «سید» دانسته است (ر.ک: قاسمی، ۱۳۷۹: ص ۲۷).

۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری

۱. اردستانی خود را «معزالدین محمد [بن] ظهیرالدین محمد الشهیر به میرمیران الحسینی» یا «معزالدین اردستانی» معرفی کرده است. متأسفانه اطلاعات چندانی از خاندان وی به دست نیامد. در کتاب حدیقة السلاطین از پدر او با عنوان «ظهیرالدین محمد نجفی» چندین بار به عنوان «قاضی القضاة» حکومت عبدالله قطب شاه یاد شده است. همچنین، چند نفر نیز از وابستگان به معزالدین شناسایی شدند: یک. غیاث الدین دشتکی (م ۹۴۸ ق) جد معزالدین؛ دو. سید علی خان مدنی (م بعد از ۱۱۱۸ ق) فامیل نسبی معزالدین؛ سه. سلطان عبدالله قطب شاه (م ۱۰۸۳ ق) فامیل سببی معزالدین.

۲. اطلاع روشنی از تاریخ ولادت اردستانی یافت نشد؛ اما طبق برخی شواهد، وی در سال‌های ۱۰۴۴ق و ۱۰۴۵ق، ظاهراً حدود ۲۰ تا ۲۵ سال داشته و احتمالاً حوالی سال‌های ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۵ق، در منطقه حیدرآباد جنوب هند متولد شده است.

۳. با توجه به شواهدی می‌توان گفت که اردستانی دارای مذهب شیعه با گرایش تند «ولایی - تبرائی»، همانند جو حاکم دوران صفویه ایران و نیز منطقه جنوب هند بوده است. درخصوص گرایش «عرفانی، فلسفی و تصوفی» معزالدين نیز اسناد بخصوصی یافت نشد؛ اما در برخی از نوشته‌های معاصر، ادعا شده که وی «تمایلات آشکار صوفیانه» داشته است. این ادعا وقتی قابل پذیرش است که اولاً مشخص شود کتاب موسوم به کاشف الحق، سرقت از حقیقة الشيعة است، نه به‌عکس؛ ثانیاً اثبات شود که مؤلف کتاب کاشف الحق، معزالدين اردستانی است، نه دیگری.

۴. برای مراحل تحصیل و اساتید معزالدين، جز نام شیخ محمد خاتون (م ۱۰۵۹ق)، به نام استاد دیگری دست نیافتیم. هیچ اطلاعاتی نیز درباره وضعیت کرسی تدریس معزالدين که نشانه اهل فضل بودن و عبور از مرحله طلبگی وی باشد، نیافتیم. به نظر می‌رسد که وی حداقل تا تاریخ ۱۰۵۳ق، و ظاهراً تا آخر عمر، طلبه معمولی و در حد دبیری مجلس سلطان و کاتب بوده است. هرچند در منابع معاصر، از اردستانی با عنوان «ملا معزالدين» یاد می‌شود؛ اما بعید نیست که این استناد و ترویج عنوان «ملا» برای وی، به خاطر انتساب کتاب کاشف الحق و سطح محتوای این کتاب، یا یادکرد صاحب حدائق السباحة باشد.

۵. از اردستانی، آثار و تألیفات قابل توجه و زیادی شناسایی نشد. همین اندک آثار نیز محل ابهام و گفتگو یا پیچیدگی‌هایی در انتساب دارند. از او، دو اثر که یکی ترجمه و دیگری تألیف است شناسایی شد: یک. میاسه و مقدار؛ دو. تفسیر سورة هل اتی = تفسیر قطب‌شاهی. همچنین، چند اثر نیز قابل ذکرند که انتساب آن‌ها به معزالدين محل گفتگو و مناقشه است: الف. آناری جنگ‌مانند (۱). منتخب ترجمه تاریخ الحکما؛ ۲. اخلاق پادشاهی؛ ۳. متمم منتخب تاریخ الحکما. ب. کتابی حدیثی - کلامی در موضوع امامت، که فعلاً با عنوان کاشف الحق مشهور شده است که ظاهراً نوشته‌ای از استاد معزالدين اردستانی، یعنی شیخ محمد خاتون عاملی (م ۱۰۵۹ق) است.

۶. بر اساس برخی اطلاعات و اسناد، فعالیت‌ها و مشاغل را می‌توان برای اردستانی مطرح نمود که عبارت‌اند از: ۱. دبیری سلطان؛ ۲. تولیت اوقاف.

۷. زمان وفات معزالدين اردستاني نیز روشن نیست؛ اما با توجه به برخی اسناد، وفات وی در میانه ۱۰۶۶ تا ۱۰۸۳ ق بوده و ظاهراً در حیدرآباد هند رخ داده است. از اعقاب و فرزندان وی نیز اطلاعات قابل قبولی یافت نشد؛ البته آقابزرگ تهرانی، محمدصادق اردستاني (م ۱۱۳۴ ق) را فرزند معزالدين دانسته که ظاهراً اشتباه است.

کتابنامه

۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۰۳۹ ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الاعراق، نسخه خطی با شماره ۱۰۰۷۴، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۳۳۶ ش)، حقیقة الشیعة، مقدمه و تصحیح: حسین فشاهی، تهران: علمیه اسلامیة.
۳. اردستاني، معزالدين محمد، (۱۱۰۵ ق)، جنگ ملا معزا، نسخه خطی با شماره‌های ۱۶۲۱۶ و ۱۶۲۱۷، تهران: کتابخانه مجلس شورا.
۴. _____، (۱۰۴۴ ق)، تفسیر سورة هل اتی، مخطوط شماره نسخه: ۱۲۵۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۵. _____، (قرن ۱۱ و ۱۲)، جنگ معزالدين اردستاني (متمم منتخب تاریخ الحكماء)، نسخه خطی به شماره ۲۴۴، دانشگاه آکسفورد: کتابخانه فردوسی کالج وادام.
۶. _____، (۱۰۸۰ ق)، میاسه و مقداد، نسخه خطی با شماره ۱۰۷۶۱، اسلام آباد پاکستان: کتابخانه گنج بخش.
۷. _____، (۱۳۶۴ ش)، میاسه و مقداد، مجله دانش، زمستان شماره ۴، صص ۵ - ۶۸.
۸. _____، (۱۳۶۴ ش)، میاسه و مقداد، نسخه خطی با شماره ۱۳۳۲۶، اسلام آباد پاکستان: کتابخانه گنج بخش.
۹. استادی، کاظم، (فروردین ۱۴۰۲ ش)، ض، «واکایی وضعیت و شخصیت شیخ هارون بن خمیس (فقیه حکومت قطب‌شاه)»، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۹، شماره ۱.

۱۰. استادى، کاظم، (۱۴۰۲ش)، ظ، «مأخذشناسى انتساب حديقة الشيعة به مقدس اردبیلی»، نشریه میراث شهاب، شماره ۱۱۱، صص ۲۰۷ - ۲۲۴.
۱۱. ———، (۱۴۰۳ش)، «فهرست نسخ خطی وقفی اسدالله مؤمن خاتون عاملی به آستان قدس رضوی»، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۱۲. افندی اصفهانی، عبدالله، (بی تا)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم: مطبعة الخيام.
۱۳. امین عاملی، سید محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف.
۱۴. بهارزاده، پروین؛ زارع شیرین کندی، محمد؛ روح الهی، حسین، (۱۳۹۳ش)، «دشتکی غیاث الدین منصور»، چاپ شده در: دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۷، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۵. بهاری، مریم، (۱۳۹۳ش)، «تجلی شیرازی»، چاپ شده در: دانشنامه جهان اسلام، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۶. بینش، تقی، (۱۳۴۲ش)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه فرخ در مشهد (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطی، دفتر سوم)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. تاج الدین مکی، احمد بن ابراهیم، (۱۱۴۲ق)، تاج المجامیع، نسخه خطی شماره ۱۳۵۸، مکتبه ملک سعود بالرياض.
۱۸. تبریزی، مقصود علی، (۲۶ رجب ۱۰۱۹ق)، نزهة الأرواح و روضة الأفراح (ترجمه فارسی)، نسخه خطی با شماره ۱۵۷۹ (ش ۶۱۴) و کتابت: محمدحسین بن خواجه محمد سمرقندی، هند: کتابخانه دیوان هند (مکتب الهند).
۱۹. تدین، مهدی، (آذر ۱۳۶۴ش)، «حديقة الشيعة يا كاشف الحق؟»، معارف، شماره ۶، صص ۱۰۵ - ۱۲۲.
۲۰. تسبیحی، محمدحسین (۱۳۸۴ش)، فهرست الفبایی نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد - پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۲۱. تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ق و ۱۴۰۸ق)، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء و اسماعیلیان.
۲۲. ———، (بی تا)، طبقات أعلام الشيعة، تحقیق: علینقی منزوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲۳. حزین لاهیجی، محمدعلی، (۱۳۷۵ش)، تاریخ و سفرنامه حزین، تحقیق و تصحیح: علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. حسن زاده مراغه‌ای، صادق، (۱۳۷۴ش)، الف، «بررسی ده دلیل دارابی شیرازی در رد انتساب حدیقة الشیعة به مقدس اردبیلی»، چاپ شده در: مجموعه مقالات کنگره محقق اردبیلی (ص ۵۲۲ - ۵۵۸)، قم: کنگره محقق اردبیلی.
۲۵. ———، (۱۳۷۴ش)، ب، «تفاوت‌های حدیقة الشیعة و کاشف الحق»، چاپ شده در: مجموعه مقالات کنگره محقق اردبیلی (ص ۵۱۷ - ۶۱۶)، قم: کنگره محقق اردبیلی.
۲۶. حسینی اردستانی، احمد بن علی، (قرن ۱۱ق)، معالجة الأمراض من الرأس القدم، نسخه خطی با شماره ۵۱۵۴، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲۷. خاتونستانی، (مجهول)، منسوب به معزالدين محمد اردستاني و محمد خاتون‌عاملی و دیگران (۱۰۵۸ق؛ ادعا شده)، امامت (موسوم به کاشف الحق)، نسخه خطی با شماره ۲۹۶۸، حیدرآباد هند: کتابخانه سالار جنگ.
۲۸. ———، منسوب به معزالدين محمد اردستاني و محمد خاتون‌عاملی و دیگران (۱۲۳۱ق)، (کتابی در موضوع امامت، بدون عنوان اصلی؛ مشهور به) کاشف الحق، نسخه خطی با شماره ۱۱۹۷۰، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۲۹. دارابی، محمد بن محمد، (۱۳۹۱ش)، تذکرة لطایف الخیال، تصحیح: یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۳۰. ———، (۱۴۱۸ق)، مقامات السالکین، تحقیق و تصحیح: سید جعفر نبوی، قم: نشر مرصاد (نشر زائر).
۳۱. درایتی، مصطفی، (۱۳۹۵ش)، فهرست فخریه، قسمت اول، کانال تلگرامی موسسه الجواد.
۳۲. دوستی، علیرضا، (۱۳۹۶ش)، کشف الحقیقة فی اعتبار الحدیقة، قم: دلیل ما.
۳۳. ———، (۱۴۰۲ش)، «پژوهشی در اعتبار حدیقة الشیعة»، چاپ شده در: مجموعه مقالات همایش ملی تصوف: شاخصه‌ها و نقدها (جلد ۱، ص ۲۳۴ - ۲۶۳)، قم: بوستان کتاب.
۳۴. ذاکری، علی اکبر، (مرداد ۱۳۷۵ش)، «نادرستی انتساب حدیقة الشیعة به مقدس اردبیلی»، مجله حوزه، شماره ۷۵.

۳۵. رحیمی، مرتضی، (زمستان ۱۳۹۷ش)، «پژوهشی درباره سید علی خان مدنی و آثار وی»، رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱ - ۳۴.
۳۶. رضوی، سید سعید اختر، (۱۴۲۲ق)، خورشید خاور، تهران: معارف و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۳۷. رضوی، محمد، (بهار ۱۳۹۱ش)، «پژوهشی پیرامون مؤلف ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، کتاب ماه دین، شماره ۱۸۴.
۳۸. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، (۱۳۳۶ش، ۱۳۴۲ش، ۱۳۵۰ش)، آتشکده اردستان (بخش اول تا سوم)، بی جا: چاپ آتشکده و اتحاد و مؤلف.
۳۹. رکنی یزدی، فاطمه و محمدباقر حجتی، (۱۳۷۵ش)، تصحیح و تعلیق نسخه خطی تفسیر سورة هل اتی یا تفسیر قطب شاهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده الهیات واحد تهران شمال.
۴۰. سبحانی، جعفر و دیگران، (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء (۱۴ جلد)، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۱. سنایی، تقی، (۱۳۷۴ش)، «کتاب حدیقة الشیعه و مقایسه آن با کاشف الحق اردستانی»، چاپ شده در: مجموعه مقالات کنگره محقق اردبیلی (ص ۶۱۷ - ۶۳۲)، قم: کنگره محقق اردبیلی.
۴۲. شیروانی، زین العابدین، (۱۳۳۹ش)، ریاض السیاحة، تصحیح: اصغر حامدی ربانی، تهران: سعدی.
۴۳. صاعدی شیرازی، نظام الدین احمد، (۱۹۶۱م)، حدیقة السلاطین قطب شاهی، حیدرآباد: بی نا.
۴۴. صدرافاضل، مرتضی حسین، (۱۳۷۴ش)، مطلع انوار، ترجمه: محمد هاشم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۴۵. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۷۱ش)، طبقات مفسران شیعه (۵ جلد)، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۴۶. علامه فلسفی، احمد، (۱۳۸۶ش)، مکاتبات سلطان عبدالله قطب شاه، تهران: وزارت امور خارجه.
۴۷. قاسمی، رحیم، (آذر ۱۳۷۹ش)، «کاستی ها و ناراستی ها در طبقات مفسران شیعه»، آینه پژوهش، شماره ۶۵، صص ۲۰ - ۲۹.
۴۸. قمی، شیخ عباس، (۱۳۲۷ش)، فوائد الرضویة، تهران: کتابخانه مرکزی.
۴۹. مدرّس، میرزا محمدعلی، (۱۳۶۹ش)، ریحانة الأدب، تهران: انتشارات خیام.

۵۰. مدنی، سید علیخان، (۱۴۰۹ق)، ریاض السالکین، تحقیق: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۱. مدنی، علی بن احمد (سید علی خان مدنی)، (۱۳۸۳ش)، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، تهران: مرتضوی.
۵۲. منزوی، احمد، (۱۳۶۵ش)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد - پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۵۳. میر انصاری، علی، (۱۳۹۴ش)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه فردوسی کالج وادام (Wadham) دانشگاه آکسفورد (مجموعه میناسیان)، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۵۴. ناشناس؛ شاید معزالدين اردستاني، (۱۰۶۱ق)، اخلاق پادشاهی، نسخه خطی به شماره ۳۹ اخلاق، هند: کتابخانه بهادر خان.
۵۵. _____، (۱۵ ذی القعدة ۱۱۰۵ق)، متمم منتخب تاریخ الحکماء، نسخه خطی به شماره ۴/۱۶۲۱۶، کاتب: عبدالعظیم بن عبدالله نیشابوری، تهران: کتابخانه مجلس شورا.
۵۶. واتقی، حسین، (۱۳۹۳ش)، المکاتبات المکیة، قم: مؤلف.
۵۷. وکیلی، محمدحسن، (۱۳۹۸ش)، تطهیر الشریعة عن حدیقة الشیعة، مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی